

Political Costs and Real Earnings Management: Empirical Evidence from Tehran Stock Exchange

Reza Jamei*

Faculty Member of Accounting, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran, (Corresponding Author) r.jamei@uok.ac.ir

Peyman Rasouli

MSc Student of Accounting, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran,
peyman_rasouli@yahoo.com

Abstract

Purpose: The purpose of this study is to have policy holders on utility management with Structural Equation Modeling approach.

Methods: In this study, 87 companies were selected from the companies listed in Tehran Stock Exchange during 2005-2018 as statistical sample. Structural equation approach has also been used to test the hypotheses.

Conclusions: The results show that political costs have a negative effect on real earnings management. However, this intensity is not statistically significant.

Results: The results also show that profitability ratio and leverage ratio have a positive and significant effect on actual earnings management.

Contributions: The impact of political costs on actual earnings management can provide future users and researchers with a better understanding of the factors affecting corporate earnings management.

Keywords: Political Costs, Real Earnings Management, Structural Equation Modeling Approach.

هزینه‌های سیاسی و مدیریت سود واقعی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

رضا جامعی*

عضو هیات علمی گروه حسابداری، دانشگاه کردستان، (نویسنده مسئول) r.jamei@uok.ac.ir

پیمان رسولی

کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، peyman_rasouli@yahoo.com

چکیده

هدف: در جهان امروزی که روابط سیاسی از عوامل مهمی برای دسترسی شرکت‌ها به منابع اقتصادی محسوب می‌شود مدیران با اقداماتی در تلاش اند که سود شرکت را بهتر از آنچه که هست نشان دهند. بر همین اساس هدف این پژوهش، تاثیر هزینه‌های سیاسی بر مدیریت سود واقعی با رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری می-باشد.

روش: در این پژوهش، تعداد ۸۷ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷ به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است. همچنین جهت آزمون فرضیه‌ها از رویکرد معادلات ساختاری استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که هزینه‌های سیاسی، اثر منفی بر مدیریت سود واقعی دارد. هرچند که این شدت از نظر آماری معنادار نیست.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که نسبت سود آوری و نسبت اهرمی اثر مثبت و معناداری بر مدیریت واقعی سود دارند.

دانش افزایی: این پژوهش می‌تواند به گسترش مبانی نظری موجود در زمینه مدیریت واقعی سود و اقتصاد سیاسی کمک کند و این گسترش به حرفه حسابرسی و تدوین کنندگان استانداردها می‌تواند خدماتی جهت کاربردی تر کردن قوانین و مقررات ارائه نماید.

واژگان کلیدی: رویکرد معادلات ساختاری، مدیریت سود واقعی، هزینه‌های سیاسی.

۱- مقدمه

نظریه اقتصاد سیاسی^{۱۳}، از نیمه دوم قرن بیستم با گسترش و نفوذ مکتب لیبرالیسم، وارد متون اقتصادی جهان شد. این نظریه مورد توجه اقتصاددانان و سیاستمداران واقع شده است. بر اساس نظریه فوق اقتصاد و سیاست تاثیر متقابل بر یکدیگر دارند، به این معنا که فعالیت و تصمیم‌گیری‌های سیاسی، تاثیر مستقیم و غیرمستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی و برعکس دارند (مهدی فرد و رویایی، ۱۳۹۴: ۲۵). به اعتقاد فیسن^۱ (۲۰۰۱) روابط سیاسی در مقایسه با سازوکارهای اقتصادی شرکت، عامل اصلی تعیین‌کننده سودآوری شرکت در کشورهای در حال توسعه است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌ها برای دستیابی به اهداف خود وارد فرایند سیاسی می‌شوند (فاسیو^۲، ۲۰۱۰: ۹۱۰؛ پاسترو همکاران^۳، ۲۰۱۳). ایجاد فرایند سیاسی با هدف دریافت منافع به شکل‌های مختلف صورت می‌گیرد (راجوانی و همکاران^۴، ۲۰۱۵؛ ملاحیات و همکاران^۵، ۲۰۱۶: ۵۲)، به همین دلیل شرکت‌ها تمایل زیادی به برقراری ارتباط نزدیک با دولت و سیاستمداران دارند. هزینه‌های سیاسی می‌تواند تاثیر مثبتی بر تخصیص سرمایه و فرصت‌های رشد برای شرکت‌ها داشته باشد و منجر به ایجاد مزیت رقابتی در مقایسه با سایر شرکت‌ها شود (فیسن، ۲۰۰۱: ۱۰۹۷). به عنوان نمونه این شرکت‌ها دسترسی آسان تری به منابع تامین مالی دارند و مالیات کمتری پرداخت می‌کنند (فاسیو، ۲۰۱۰؛ گلدمن و همکاران^۶، ۲۰۱۳: ۹۱۰). هزینه بدهی و هزینه سرمایه کمتری پرداخت می‌کنند (بوپاکری و همکاران^۷، ۲۰۱۲؛ هوستون و همکاران^۸، ۲۰۱۴: ۵۴۵). در عقد قراردادهای سودآور با دولت در اولویت قرار دارند و یارانه‌های دولتی به راحتی در اختیار آنان قرار می‌گیرد (گلدمن و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۶۲۶). همچنین این شرکت‌ها به دلیل ارتباطاتی که دارند به راحتی به اخبار و اطلاعات ارزشمند دسترسی پیدا می‌کنند و صنایعی که مورد حمایت دولت قرار می‌گیرند و آنهایی که از دایره حمایت دولت خارج می‌شوند را به راحتی شناسایی می‌کنند که این خود موجب کاهش ابهام و عدم قطعیت در رابطه با رویدادهای آتی می‌شود (پاسترو و همکاران، ۲۰۱۳: ۵۳۶)

در کشورهای در حال توسعه که سیستم‌های اقتصادی آنها غالباً مبتنی بر روابط است، یکی از عوامل اساسی که نسبت به عوامل دیگر، بر انگیزه‌های مدیریت در گزارشگری مالی تاثیر می‌گذارد عامل سیاسی بودن مدیران است که بر نظام اقتصادی کشور نیز تاثیرگذار است (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۵). بر پایه نظریه اقتصاد سیاسی، اطلاعات حسابداری تنها برای حمایت از گروه‌های صاحب نفوذ در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تهیه می‌شود. اطلاعاتی که به کمک آن، صاحبان قدرت می‌توانند به نفع شخصی خود از آن اطلاعات استفاده و عمل نمایند (آبیسکرا^{۱۲}، ۲۰۰۳: ۲). همچنین شرکت‌ها نه تنها وظیفه انجام فعالیت اقتصادی را بر دوش خود دارند، بلکه مجبور به گزارشگری در مورد نتایج فعالیت خود

می باشند و به همان میزانی که انتظار می رود در انجام فعالیت اقتصادی، سعی در کاهش هزینه ها و درآمدهای خود داشته باشند، تلاش می کنند گزارش گری مالی خود را در جهت هدایت نمایند که تفسیر استفاده کنندگان از صورتهای مالی موجب انتقال ثروت به خارج از شرکت نشود. به عبارت دیگر شرکتهای، جدای از ارائه صادقانه نتایج عملیات و وضعیت مالی که مورد نظر نهادهای تدوین کننده استانداردهای حسابداری می باشد، به عواقب اقتصادی گزارشها مالی نیز توجه می کنند (ابراهیمی کردلر و شهریاری، ۱۳۸۸ : ۴۸). رضایی و افروزی (۱۳۹۴) بیان می دارند، فشارهای سیاسی یکی از عوامل موثر بر مدیریت سود است، بدین معنی که واحدهای تجاری به منظور مواجهه با فشارهای مزبور، تلاش می کنند گزارشگری مالی خود را در جهت حمایت نمایند که تفسیر استفاده کنندگان از صورتهای مالی موجب انتقال ثروت به خارج از شرکت نشود. توجه به عواقب اقتصادی گزارشگری مالی موجب می شود که صورتهای مالی، دیگر ارائه صادقانه نتایج فعالیت های شرکت نباشند. عدم ارائه صادقانه نتایج عملیات، عموماً خود را به شکل ارائه سود کمتر یا بیشتر از واقع نشان می دهد (منصورفر و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

با توجه به مطالب عنوان شده در پژوهش های پیشین رابطه بین هزینه سیاسی و مدیریت سود بررسی شده ولی تفاوت این پژوهش با پژوهش های مشابه در حوزه مدیریت سود، آن است که تاکنون رابطه هزینه سیاسی و مدیریت سود واقعی بررسی نشده است. حاصل کار این پژوهش شامل موارد زیر است: اولاً این پژوهش به عنوان یک دستاورد علمی می تواند اطلاعات سودمندی را در زمینه کاربردی تر کردن قوانین و استانداردها در اختیار تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری کشور قرار دهد. ثانیاً، نتایج این پژوهش می تواند موجب بهتر شدن مبانی نظری پژوهش های گذشته در زمینه مدیریت سود واقعی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران شود. ثالثاً این پژوهش می تواند ایده های جدیدی برای انجام پژوهش های جدید در حوزه اقتصاد سیاسی، پیشنهاد نماید. پرسش اصلی این پژوهش این است که هزینه های سیاسی چگونه بر مدیریت سود واقعی تأثیرگذار است. هدف این مقاله آن است که نخست اثر هزینه سیاسی بر مدیریت سود واقعی را نشان دهد. همچنین هدف دوم این پژوهش آن است تا تحلیلگران، استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری، تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری، را از عوامل اثر گذار بر مدیریت سود واقعی آگاه نماید. در ادامه، مبانی نظری و تجربی پژوهش، فرضیه های پژوهش، روش پژوهش، یافته ها و نتایج پژوهش ارائه می شود.

۲- مبانی نظری، ادبیات و فرضیه‌ها

۲-۱. هزینه‌های سیاسی

هزینه‌های سیاسی هزینه‌هایی هستند که برای تداوم فعالیت و حیات موسسه تجاری بنا به الزامات قانونی و عرفی و محیط اقتصادی ضروری است این قبیل هزینه‌ها یا به واسطه اعمال قانونی و مصوبات قانونی و یا از طریق فشارهای سیاسی به شرکتها تحمیل می‌شود. از این قبیل هزینه‌های سیاسی می‌توان به مالیات، بیمه بازنشستگی، هزینه‌های ناشی از کمک‌های بلاعوض به اشخاص و ارگانها و نهادها، حقوق گمرکی صادرات، هزینه حفظ محیط زیست، هزینه توسعه فضاهای آموزشی، پرداختی به اتحادیه‌های کارگری و سایر مراجع رسمی و غیر رسمی اشاره کرد (پورحیدری، ۱۳۸۳ : ۵۳). زیمرمن (۱۹۸۶) هزینه‌های سیاسی را هرگونه تلاش موفق برای توزیع دوباره منابع شرکت‌ها به خارج از شرکت‌ها می‌داند. بر این اساس سیاستمداران، اغلب از اطلاعات حسابداری برای مقایسه تلاش‌های بعمل آمده برای تخصیص دوباره منابع بین خودشان به عنوان هزینه شرکت استفاده می‌کنند این تخصیص دوباره ممکن است توسط قوانین و مقررات دولتی (نرخ‌های مالیاتی، مالیات بر صادرات و واردات، حقوق و عوارض گمرکی، حق حفاظت از اموال و دارایی‌های شرکت) یا به وسیله گروه‌های متولی دولت و قانون‌گذاران مثل اتحادیه‌های کارگری ایجاد گردند (یعقوب‌نژاد و جوادی، ۱۳۸۸ : ۴۵).

اقتصاددانان فرایند سیاسی را رقابتی بر سر انتقال ثروت می‌بینند. تئوری اقتصادی فرایند سیاسی، دیدگاه نفع شخصی را پذیرفته است و بر این فرض استوار است که سیاستمداران به دنبال بیشینه کردن مطلوبیت شخصی خود می‌باشند، در نتیجه فرایند سیاسی عرصه‌ای است برای رقابت بر سر انتقال ثروت به نفع خود مشارکت برای شرکت‌هایی که وارد فرایند سیاسی شده‌اند هزینه‌هایی دارد که شامل (۱) هزینه کسب اطلاعات در مورد فرایندهای سیاسی در جریان، (۲) هزینه‌های لابی‌گری برای تغییر مسیر فرایند سیاسی به نفع خود، و (۳) هزینه تشکیل ائتلاف با افراد دارای منافع مشترک با شرکت است.

بر اساس تئوری فرایند سیاسی، مجموعه‌ی قوانین و مقررات موجود، نتیجه تعادل دو نیروی مخالف هستند، کسانی که ثروت به آنان منتقل می‌گردد و کسانی که ثروت از آنان منتقل می‌گردد. عوامل اثرگذار بر این تعادل که در موفقیت فرایند سیاسی تاثیرگذار است شامل این موارد است: (۱) هزینه اطلاعات^{۱۴}: هزینه اطلاعات توجیه مناسبی برای ایجاد گروه‌ها و ائتلاف‌های دارای منافع مشترک است. نفوذ و قدرت تشکلهایی مانند اتحادیه‌ها، اصناف و غیره در بخش‌های مختلف حاکمیتی و نیز تاثیرگذاری این گروه‌ها بر نتیجه‌ی انتخابات در مقایسه با تاثیری که یک فرد که دارای یک رای بوده به مراتب بیشتر است. از طرفی، لوایح قانونی و

مقررات بسیاری نزد مسئولین دولتی وجود دارد که هزینه های مطلع شدن از آنها برای افراد به صورت انفرادی بسیار زیاد است. این امر باعث می شود که گروهها در اشکال مختلف آن مثل اتحادیه ها و اصناف تشکیل شود تا از طریق ائتلاف با بخش ها و نهادهای حکومتی و ایجاد تعاملات دو طرفه، هزینه کسب اطلاعات را کاهش دهند.^{۱۵} تضاد منافع^{۱۵}: هر چند گروه ها و ائتلاف های بزرگ به راحتی می توانند به اطلاعات دست یابند و هزینه کمتری برای کسب آن متحمل شوند و این امر موجب منفعت بیشتر و در نتیجه موفقیت فرایند سیاسی می گردد، اما عواملی هم هستند که تشکیل گروهها و ائتلاف های بزرگ^{۱۶} را محدود می کند از جمله: تضاد منافع. اگر بین اعضای یک گروه تضاد منافع وجود داشته باشد، اقدامات گروه لزوماً مطلوب هر یک از اعضا نخواهد بود، در نتیجه بهره مندی گروه های مختلف از فرایند سیاسی یکسان نخواهد بود. (۳) هزینه های سازماندهی^{۱۷}: هزینه های سازماندهی نیز بر اندازه گروه های ذی نفع تاثیر می گذارد. گروه های ذی نفع برای اینکه بتوانند در فرایند سیاسی موثر باشند باید هزینه های سازماندهی را متحمل شوند، بنابراین فرایند سیاسی بدون تحمل هزینه است (بزرگ اصل، ۱۳۷۳ : ۳۰). به اعتقاد واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) شرکت های دارای روابط سیاسی، از مزایای اقتصادی متعددی بهره مند می شوند. برای نمونه، این قبیل شرکتها می توانند دسترسی آسانتری به قانون گذاران داشته باشند (میلو و همکاران^{۱۸}، ۲۰۱۰)، تأثیر بیشتری بر قانون گذاران بگذارند (فاسیو و همکاران، ۲۰۰۶ : ۹۱۲) و متعاقباً قراردادهای دولتی بیشتری را به دست آورند (گلدمن و همکاران، ۲۰۰۹؛ تاهون^{۱۹}، ۲۰۱۴ : ۱۶۳۰) همچنین ظرفیت استقراض بیشتری را برای خود فراهم سازند (فاسیو و پارسلی^{۲۰}، ۲۰۱۱ : ۹۱۸؛ هاستون و همکاران، ۲۰۱۴ : ۱۵۱).

۲-۲. مدیریت سود واقعی

پژوهش های حسابداری در حوزه مدیریت سود، از جمله پژوهش های اثباتی حسابداری است. از زمان ارائه نظریه حسابداری سیاسی و قراردادی توسط واتر و زیمرمن در اواخر دهه ۱۹۷۰، رویکرد مدیریت سود همواره موضوع مورد بحث در بسیاری از مطالعات حسابداری بوده است. بر اساس این رویکرد، هرگاه میان واحد تجاری و گروه های مختلف، قراردادی تنظیم شود و مبنای تنظیم این قرارداد ارقام حسابداری باشد، در آن صورت مدیر در تلاش خواهد بود با دستکاری در آن رقام، به خواسته های شخصی خود، نظیر پاداش بیشتر، دست یابد (صفری گرایلی و همکاران، ۱۳۹۶ : ۲۱۹). در ادبیات حسابداری، مدیریت سود به عنوان گزارش نادرست سطح عملکرد اقتصادی شرکت توسط افراد درون سازمانی (به ویژه مدیریت) تعریف می شود که با هدف گمراه کردن ذینفعان و دست اندرکاران بازار سرمایه صورت می گیرد (شمس زاده و همکاران ۱۳۹۵ : ۴۶)

جونز و شارما^{۲۱} (۲۰۰۱) مدیریت سود نوعی اقدام آگاهانه با هدف طبیعی نشان دادن سود شرکت به یک سطح مطلوب و مورد نظر است. ماگرات و ولد^{۲۲} (۲۰۰۲) بیان کردند که رویه های مدیریت سود به این جهت طراحی شدند که به مدیران کمک کند که وظایفشان را نسبت به سهامداران انجام دهند. سرمایه گذاران را فریب دهند. به اعتقاد سالمون^{۲۳} (۲۰۰۵) بر اساس تئوری نمایندگی، مدیران همانند سایر افراد جامعه در پی حداکثرسازی منافع شخصی خود هستند اما ممکن است به دلیل تضاد منافع موجود، مدیران بر بهبود عملکرد واقعی واحد تجاری تمرکز نکنند و در برخی شرایط به دنبال دستکاری فعالیتهای ایجاد کننده سود (مدیریت سود واقعی) باشند. در مجموع می‌توان گفت، مدیریت سود زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران برای گمراه کردن برخی از ذینفعان (اعتبار دهندگان، سهامداران، کارکنان، دولت، سرمایه گذاران و ...) در خصوص سطح عملکرد اقتصادی شرکت، در گزارشگری مالی و نیز در ساختار معاملات، از قضاوت شخصی استفاده کنند تا گزارشهای مالی را تغییر دهند و یا بر قراردادهایی که به ارقام گزارش شده حسابداری منوط هستند، تأثیر بگذارند (هیلی و والن، ۱۹۹۹: ۱۴۵). مدیریت سود با هر انگیزه ای که صورت گیرد، می‌تواند به دو روش مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی به مرحله اجرا درآید (کیم و سون^{۲۴}، ۲۰۰۷: ۱۲۹).

به اعتقاد دچو و اسکینر^{۲۵} (۲۰۰۰) مدیریت سود تعهدی شامل انتخاب های حسابداری در چارچوب اصول پذیرفته شده ی حسابداری است که تلاش دارد عملکرد اقتصادی واقعی را مبهم نشان دهد یا بپوشاند. مدیریت سود تعهدی را مدیریت سود حسابداری نیز می‌گویند چرا که مدیریت از طریق ارقام تعهدی اختیاری به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف مطلوب خود می‌پردازد. مدیریت سود واقعی در طی دوره مالی و زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران عهده دار فعالیت هایی می‌شوند که زمان بندی یا ساختار یک عملیات، سرمایه گذاری و یا معاملات مالی را به منظور اثرگذاری بر محصول (خروجی) سیستم حسابداری تغییر می‌دهد (گانی^{۲۶}، ۲۰۱۰). مدیریت سود واقعی، انحراف از روش‌های عادی عملیاتی است و هدف از انجام آن دستیابی به سود برآوردی است (رویچودهوری^{۲۷}، ۲۰۰۶: ۳۴۸). نتایج پژوهش هایی نظیر برنز و مرچنت^{۲۸} (۱۹۹۰) و گراهام و همکاران^{۲۹} (۲۰۰۵) بیانگر تمایل زیاد مدیران اجرایی به مدیریت سود واقعی نسبت به مدیریت سود تعهدی است؛ این دلایل را می‌توان به صورت زیر بیان نمود:

۱) مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی بیشتر مورد توجه حسابرسان و قانون گذاران قرار دارد. ولی مدیریت سود واقعی اغلب شبیه تصمیم های عادی واحد تجاری است و تشخیص آن مشکل تر است. ۲) دستکاری ارقام تعهدی دربردارنده ریسک است، زیرا ممکن است مقدار سودی که برای دستکاری مورد نیاز است فراتر از ارقام تعهدی اختیاری موجود باشد. در نتیجه اگر از ارقام تعهدی اختیاری در پایان سال استفاده شود، ممکن است اهداف مرتبط با سود

برآورده نشود (مشایخی و حسین پور، ۱۳۹۵ : ۳۷). ۳) مدیریت اقلام تعهدی بدون هزینه نیست، کشف دستکاری اقلام تعهدی می تواند احتمال نیاز به بررسی های ویژه از جانب حسابرسان را به وجود آورد. همچنین ممکن است به مجازات های مالی توسط جوامع حرفه ای قانونی (مانند بورس اوراق بهادار)، لزوم ارائه مجدد سود و بررسی موضوع در دادگاه های حقوقی منجر شود (مجتهدزاده و ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۸ : ۶). ۴) مدیریت اقلام تعهدی در سال وقوع، نسبتاً مشخص است اما مدیریت سود واقعی به آسانی قابل تشخیص نیست (یو^{۲۰}، ۲۰۰۸). ۵) در دوره های وضع قوانین بیشتر و سختگیرانه تر به دلیل وجود نظارت بیشتر و مقررات صریح و محکم، مدیریت اقلام تعهدی محدود می شود و لذا تمایل به استفاده از مدیریت واقعی سود که احتمال کشف آن کمتر است، افزایش می یابد (اورت و واگنهافر^{۳۱}، ۲۰۰۵ : ۴۸). ۶) برای مدیران ریسک و هزینه های شخصی مدیریت سود تعهدی بیشتر است. در حالی که برای واحد تجاری، معمولاً مدیریت واقعی سود هزینه های بیشتری را در بر دارد. برای نمونه تولید اضافی باعث تحمیل هزینه های نگهداری و انبارداری بیشتر به شرکت می گردد. (رویچودهوری، ۲۰۰۶ و گانی، ۲۰۱۰ : ۳۵۰). مدیران با دستکاری فعالیت های فروش، تولید و مخارج اختیاری (یا ترکیبی از آنها) سود را به سطح دلخواه می رسانند (رویچودهوری، ۲۰۰۶ : ۳۵۳) که در ادامه به یه برخی از روش های مدیریت واقعی سود مختصراً اشاره می شود:

الف) دستکاری فعالیت فروش

در این روش، افزایش تخفیفات یا ایجاد شرایط ساده تر خرید برای مشتریان، حجم فروش را به طور موقت افزایش می دهد و فروش اضافی، سود دوره جاری را افزایش میدهد (البته به این شرط که حاشیه فروش مثبت باشد) ولی تخفیفات و شرایط ساده تر خرید برای مشتریان، موجب کاهش جریان وجوه نقد آتی می شود (رویچودهوری، ۲۰۰۶ : ۳۵۸).

ب) دستکاری فعالیت تولید

در این رویکرد، واحد تجاری می تواند بیش از حد نیاز، محصول تولید کند. زمانی که محصول بیشتری تولید می شود، هزینه های ثابت سربار روی تعداد واحدهای بیشتری از محصول، سرشکن می گردد و برای هر واحد محصول؛ هزینه های ثابت، کمتر خواهد شد. مادامی که کاهش در هزینه های ثابت هر واحد محصول از هرگونه افزایش در هزینه نهایی آن کمتر نشود، کل هزینه مربوط به هر واحد محصول کاهش خواهد یافت. اجرای این روش، بهای تمام شده کالای فروش رفته را کاهش می دهد و واحد تجاری به حاشیه عملیاتی بالاتری دست پیدا می کند ولی این اقدام موجب می شود که سطح فروش شرکت به نسبت سطح تولید و هزینه های مرتبط با آن، کاهش یافته و سبب کاهش جریان وجوه نقد آتی گردد (کوهن و همکاران^{۳۲}، ۲۰۰۸ : ۴۱).

ج) دستکاری مخارج اختیاری

مخارج اختیاری شامل آن بخش از هزینه های پژوهش و توسعه، اداری، عمومی، توزیع و فروش و هزینه های تبلیغات است که مدیران اختیار حذف آن را (در کوتاه مدت) دارند. کاهش در هزینه های فوق الذکر، سود دوره جاری را افزایش می‌دهد. در این رویکرد، اگر رویه شرکت، پرداخت نقدی هزینه های مزبور باشد، کاهش در آن هزینه ها منجر به افزایش در خالص جریان وجوه نقد دوره جاری (با مخاطره کم شدن جریان وجوه نقد آتی) می‌شود (کوپرتینو و همکاران^{۳۳}، ۲۰۱۵: ۸۳).

۲-۳. هزینه‌های سیاسی و مدیریت سود واقعی

در این پژوهش اثر فرضیه سیاسی (هزینه سیاسی^{۳۵}) بر مدیریت سود واقعی^{۳۶} مورد بررسی قرار گرفته است. در بیان چرایی انتخاب فرضیه سیاسی به عنوان عاملی تأثیرگذار بر مدیریت سود، مصادیق زیر قابل بیان است که اثرات فرایند سیاسی به مدیران شرکت‌های حساس از نظر سیاسی این انگیزه را می‌دهد که از روش های حسابداری ای استفاده کنند که گزارش سود را به تعویق می‌ندازد. از سوی دیگر ممکن است فرایند سیاسی^{۳۷} انگیزه هایی برای کاهش واریانس سود گزارش شده ایجاد کند. واریانس از این لحاظ مهم است که احتمال می رود بر شرکت‌هایی که تنها در یک دوره ی واحد سود بالایی داشته اند، مقررات قانونی و سیاسی اعمال شود و به دوره های دیگر که سود کمتری داشته اند توجهی نشود (واتس و زیمرمن، ۱۹۸۶). همچنین بر اساس نظریه اثباتی^{۳۸}، این احتمال وجود دارد شرکت‌هایی که حساسیت سیاسی دارند، روش‌هایی را انتخاب کنند که سودها را به تعویق اندازند. به بیان دیگر، مدیریت این قبیل واحدهای تجاری روش‌هایی را انتخاب خواهند کرد که سود گزارش شده دوره جاری به دوره(های) آتی انتقال یابد. به عبارتی، شرکتها نسبت به هزینه های سیاسی واکنش نشان داده و رویه های حسابداری خود را به گونه ای انتخاب می‌کنند تا این هزینه ها را کاهش دهند (حجازی و اوجی، ۱۳۹۱: ۷۵). علاوه بر این همچنین بر اساس فرضیه سیاسی، این احتمال وجود دارد که سیاستمداران از ارقام حسابداری برداشت سیاسی داشته باشند. برای نمونه، احتمال دارد ارقام سود خالص هنگامت گزارش شده توسط شرکتها را علامتی از بازار انحصاری تلقی نمایند. بنابراین، شرکتها برای فرار از عواقب اقتصادی این گونه هزینه ها، رویه هایی را انتخاب می‌کنند که منجر به کاهش کمترین انتقال ثروت ناشی از فرایندهای نظارتی شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

داروق و همکاران^{۳۹} (۱۹۹۸) مدیریت سود را طی سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۶ مورد بررسی قرار دادند و نتایج نشان داد که بین هزینه های سیاسی و مدیریت سود ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. فراسر و همکاران^{۴۰} (۲۰۰۶) نشان دادند شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، به طور عمده اهرم مالی بالاتری در مقایسه با سایر شرکت ها دارند و همچنین این شرکت

ها به طور ذاتی ریسک بیشتری نسبت به شرکت های بدون ارتباطات سیاسی دارند. روی چودهوری (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت های واقعی دریافت که شرکت ها برای جلوگیری از گزارش زیان و ارائه حاشیه سود بهتر، از فعالیت هایی نظیر ارائه ی تخفیف های قیمتی به منظور افزایش فروش، تولید بیش از اندازه برای کاهش بهای تمام شده ی کالای فروش رفته و کاهش هزینه های اختیاری استفاده می کنند؛ در حالی که این فعالیت ها باعث افزایش ارزش شرکت در بلند مدت نمی شوند. کوهن و همکاران (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی میزان مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی بر ارقام حسابداری و فعالیت های واقعی، قبل و بعد از قانون ساربینز - اکسلی^{۴۱} (۲۰۰۳) پرداختند. آنها دریافتند که از سال ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۳ مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی افزایش یافته است ولی بعد از تصویب قانون مذکور، روند کاهش یافته است. در مقابل مدیریت سود از طریق فعالیت های واقعی، بعد از تصویب این قانون افزایش چشمگیری نشان می دهد. چن و همکاران^{۴۲} (۲۰۱۱)، اثر هزینه های سیاسی بر مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که شرکت ها در دوران تحول اقتصادی با فشارهای سیاسی از سوی دولت مواجه بوده اند و برای کاهش این فشارها به مدیریت سود روی آورده اند. بلیس و گول^{۴۳} (۲۰۱۲) در پژوهشی ارتباط بین روابط سیاسی و هزینه بدهی را آزمون کردند. یافته های آنها نشان داد از دید بازار سرمایه و موسسات حسابرسی، شرکت های دارای ارتباطات سیاسی ریسک بیشتری نسبت به سایر شرکت ها دارند. شواهد آنها نشان داد این شرکت ها به طور عمده دارای هزینه بدهی بالاتر و گزارشگری زیان بیشتر هستند و اکثر آنها توسط یک شرکت حسابرسی بزرگ، حسابرسی شده اند. بوباکری و همکاران^{۴۴} (۲۰۱۲) طی پژوهشی، هزینه سهام عادی شرکت های دارای ارتباطات سیاسی و غیرسیاسی را بررسی کردند و نشان دادند شرکت های دارای ارتباطات سیاسی، هزینه سهام عادی پایین تری در مقایسه با سایر شرکت ها دارند. مالول و همکاران^{۴۵} (۲۰۱۸) تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد و ارزش شرکت را بررسی کردند. بر اساس نتایج به دست آمده، ارتباطات سیاسی موجب بهبود عملکرد و ارزش شرکت می شود. در واقع سرمایه گذاران به دلیل کسب منافع بیشتر، به سرمایه گذاری در شرکت هایی با ارتباطات سیاسی بالا تمایل نشان می دهند. پورحیدری و همتی (۱۳۸۳)، اثر قراردادهای بدهی، هزینه های سیاسی، طرح پاداش و مالکیت بر مدیریت سود را مورد مطالعه قرار دادند. بخشی از نتایج پژوهش حاکی از آن بود که فشارهای سیاسی بر شرکت های با تعداد کارکنان زیاد، بالا بوده و این قبیل شرکت ها، هزینه های سیاسی بیش تری را متحمل می شوند. در نتیجه، مدیریت این شرکت ها به منظور تقلیل هزینه های سیاسی، اقدام به مدیریت سود می نمایند. نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲)، اثر مدیریت سیاسی بر مدیریت سود را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین مدیریت سیاسی و مدیریت سود رابطه ای مستقیم وجود

دارد. به عبارتی وجود مدیریت سیاسی در شرکت‌ها یکی از عوامل تاثیر گذار بر مدیریت سود است. رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۲)، در بررسی اثر روابط سیاسی بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارش‌گری مالی و هزینه سهام عادی به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌های با ساختار مالکیت متمرکز، کیفیت سود نیز بالا است؛ حال آن‌که در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است، ولی هزینه سهام عادی بالا است. حیدری و همکاران (۱۳۹۴)، رابطه بین فرضیه سیاسی و فرصت‌های رشد شرکت را در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد هزینه‌های سیاسی اثر مثبت و معناداری بر فرصت‌های رشد شرکت دارد. منصورفر و همکاران (۱۳۹۶)، رابطه بین هزینه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی را در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که هزینه‌های سیاسی اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی به همراه دارد. بادآور نهندی و تقی زاده خانقاه (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ پرداختند و نمونه‌ی آنها متشکل از ۱۱۰ شرکت بود. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد تأثیر مثبتی داشته و بر عملکرد شرکت تأثیر منفی می‌گذارد. پژوهش حاضر با طرح ارتباط موضوع فرضیه سیاسی (هزینه‌های سیاسی) با مدیریت سود واقعی، علاوه بر توسعه بخشی ادبیات نظری بحث هزینه‌های سیاسی در حسابداری، با به‌کارگیری الگوسازی معادلات ساختاری در بررسی جوانب مختلف روابط احتمالی بین مؤلفه‌های مذکور، نخستین پژوهش در این حوزه محسوب می‌گردد.

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مطالب عنوان شده در بخش مقدمه، مبانی نظری و تجربی پژوهش و نیز به منظور پاسخ‌گویی به سؤال اصلی پژوهش مطرح شده در بخش بیان مسئله، فرضیه پژوهش به صورت ذیل تدوین شده است:

- فرضیه اصلی پژوهش: افزایش هزینه‌های سیاسی، منجر به افزایش مدیریت سود واقعی می‌شود.
- فرضیه فرعی ۱: افزایش هزینه‌های سیاسی منجر به افزایش نسبت اهرمی می‌شود.
- فرضیه فرعی ۲: افزایش هزینه‌های سیاسی منجر به افزایش سودآوری می‌شود.

۳- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر رویکرد، از نوع توصیفی-همبستگی و از جنبه طرح پژوهش، پس‌رویدادی است. اطلاعات مربوط به مبانی نظری و ادبیات پژوهش از میان کتب و مقالات

موجود در این زمینه و اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش از نرم افزار ره آورد نوین و صورتهای مالی حسابرسی شده (غیر تلفیقی) جمع آوری شده است. گردآوری و طبقه‌بندی اولیه داده‌ها به وسیله صفحه گسترده اکسل و تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم‌افزار اموس^{۶۷} (نسخه ۲۴) انجام شده است. برای آزمون فرضیه پژوهش، یک فرایند دو مرحله‌ای طی می‌شود. ابتدا باید از برازش قابل قبول الگوهای اندازه‌گیری^{۴۶} (هزینه‌های سیاسی و مدیریت سود) اطمینان حاصل شود و سپس برازش الگوی ساختاری (روابط بین هزینه‌های سیاسی، مدیریت سود واقعی، نسبت سودآوری و نسبت اهرمی) مورد بررسی قرار گیرد. تمایز بین الگوی اندازه‌گیری و الگوی ساختاری پژوهش در گام‌های بعدی فرایند الگوسازی معادلات ساختاری نقش مهمی را ایفا می‌نماید. در واقع، چنانچه الگوی اندازه‌گیری، برازش مناسبی^{۴۷} از اندازه‌گیری متغیر پنهان را نشان دهد، برازش الگوی ساختاری با اطمینان بیشتری صورت خواهد گرفت (قاسمی، ۱۳۹۲؛ ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱). برای رد یا عدم رد فرضیه پژوهش، از آزمون معنی‌داری هر یک از ضرایب مسیر استاندارد شده الگوی ساختاری (آزمون تی - استیودنت) استفاده شده است.

۳-۱. جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۷ می‌باشد. با لحاظ کردن شرایط فوق تعداد ۸۷ (۱۲۱۸ سال - شرکت) شرکت به شرح جدول (۱) به عنوان نمونه انتخاب شد.

نگاره ۱: نحوه انتخاب جامعه آماری

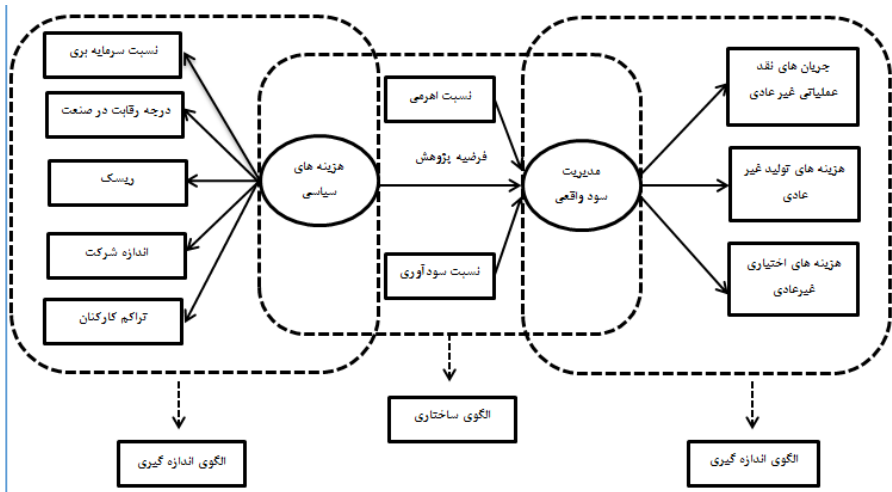
جامعه آماری	تعداد شرکت
شرکتهای پذیرفته شده در بورس طی سال‌های ۸۴ الی ۹۷	۵۲۰
کسر می‌شود:	
شرکتهای صنایع خاص (سرمایه‌گذاری، هلدینگ، بانک‌ها و ...)	(۸۴)
شرکتهایی که پایان سال مالی غیر اسفند ماه است	(۷۲)
شرکتهایی که تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی داشته اند	(۷۸)
شرکتهای دارای محدودیت در دسترسی به اطلاعات	(۱۹۹)
جامعه آماری نهایی	۸۷

۳-۲. الگوی مفهومی پژوهش

چارچوب الگوی مفهومی مطالعه حاضر در شکل (۱) بر اساس رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری^{۴۸} ترسیم شده است. رویکرد معادلات ساختاری یک تحلیل چند متغیره‌ی بسیار قوی از خانواده رگرسیون چند متغیره‌ی است که به محقق امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات

رگرسیون را به طور همزمان مورد آزمون قرار دهد. مدل سازی معادله ساختاری دیدگاهی است که در آن الگوهای فرضی از ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم در میان یک مجموعه از متغیرهای مشاهده شده و پنهان بررسی می‌شود و کاربرد اصلی آن در موضوعات چند متغیره ای است که نمی‌توان آنها را به شیوه دو متغیری با در نظر گرفتن هر بار یک متغیر مستقل با یک متغیر وابسته انجام داد (حیدر علی، ۱۳۸۴: ۱۹۶). در الگوی مورد بررسی متغیر پنهان (هزینه های سیاسی) به عنوان متغیر مستقل دارای چندین سازه (نسبت سرمایه بری، درجه رقابت در صنعت، ریسک، اندازه شرکت و تراکم کارکنان) است و مدیریت سود واقعی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند. همچنین، متغیرهای نسبت اهرمی و نسبت سودآوری به عنوان متغیرهای کنترلی وارد الگوی پژوهش شده‌اند (شکل دایره یا بیضی معرف متغیر پنهان و متغیر مستطیل یا مربع، معرف متغیر مشاهده‌پذیر است).

دلایل انتخاب این روش را می‌توان به این صورت برشمرد: اول، در ادبیات مالی شرکتی و حسابداری، هزینه‌های سیاسی جزو متغیرهایی به شمار می‌رود که برای مطالعه جنبه های متفاوت آن (اثر گذار بر / اثر پذیر از)، به صورت مستقیم برای پژوهش گر قابل مشاهده و اندازه گیری نیستند. از این رو، این متغیر می‌تواند به عنوان یک متغیر پنهان تعریف شود. بنابراین، پژوهش گر باید متغیر پنهان^{۴۹} را بر حسب نوع رفتاری که بیان گر آن متغیر است، تعریف نماید. به عبارت دیگر، با استفاده از یک سری متغیرهای مشاهده پذیر^{۵۰}، می‌توان یک متغیر پنهان را اندازه گیری کرد. دوم، تجزیه تحلیل های رگرسیونی رایج، تا حد زیادی خطای اندازه گیری^{۵۱} در متغیرهای توضیحی را نادیده می‌گیرند. در نتیجه یافته های رگرسیونی ممکن است نادرست و شامل نتایج گمراه کننده باشد. همچنین، مطالعه اثرات مستقیم و غیرمستقیم^{۵۲} متغیرهای درگیر در یک الگو برای محقق به آسانی امکان پذیر نیست. علاوه بر این موارد، الگوهای رگرسیونی فاقد ساختار هستند. بدین معنی که چگونگی رابطه متغیرهای مستقل با یکدیگر و همچنین با متغیر وابسته مشخص نیست (قاسمی، ۱۳۹۲؛ ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱).



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

۳-۳. متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته: مدیریت سود واقعی

مدیریت سود واقعی با تغییر در زمانبندی یا ساختار فعالیت‌های واقعی تجاری همراه است؛ از این رو پژوهشگران در مطالعات انجام شده در زمینه مدیریت سود واقعی، به دنبال شناسایی سطوح غیرعادی فعالیت‌های واحد تجاری هستند (لیگیت و همکاران^{۵۳}، ۲۰۰۹). مطابق پژوهش‌های روی چودهری (۲۰۰۶)، کوهن و همکاران (۲۰۰۸) و کوهن و زاروین^{۵۴} (۲۰۱۰) در این پژوهش از سه روش دستکاری فعالیت‌های واقعی با هدف مدیریت سود گزارش شده به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی استفاده شده است. این سه روش دستکاری فعالیت‌های واقعی شامل ۱. دستکاری فروش، ۲. تولید بیش از حد یا افزایش تولید برای کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته و ۳. کاهش هزینه‌های اختیاری می‌باشند. بنابراین مدیریت سود واقعی برابر با حاصل جمع اندازه‌گیری سطح جریان نقد عملیاتی غیرعادی، هزینه‌های تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی در سال انجام مدیریت سود است که به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شود:

۱- جریان‌های نقد عملیاتی غیر عادی. باقی مانده مدل ۱، نشان دهنده جریان‌های نقد عملیاتی غیر عادی است.

$$\frac{CFO_{jt}}{A_{jt-1}} = \alpha_1 \frac{1}{A_{jt-1}} + \alpha_2 \frac{Sales_{jt}}{A_{jt-1}} + \alpha_3 \frac{\Delta Sales_{jt}}{A_{jt-1}} + \varepsilon_{jt} \quad \text{مدل (۱)}$$

در این مدل، CFO_{jt} جریان نقد عملیاتی شرکت z در سال t ؛ A_{jt-1} جمع کل داراییهای شرکت z در پایان سال t ؛ $Sales_{jt}$ فروش شرکت z در سال $t-1$ و $\Delta Sales_{jt}$

تغییرات فروش شرکت j در پایان سال t که از فروش سال t منهای فروش در سال $t-1$ به دست می‌آید.

۲- هزینه‌های تولید غیرعادی. باقی مانده مدل ۲، نشان دهنده هزینه‌های تولید غیر عادی است.

$$\text{مدل ۲} \quad \frac{PROD_{jt}}{A_{jt-1}} = \alpha_1 \frac{1}{A_{jt-1}} + \alpha_2 \frac{Sales_{jt}}{A_{jt-1}} + \alpha_3 \frac{\Delta Sales_{jt}}{A_{jt-1}} + \alpha_4 \frac{\Delta Sales_{jt-1}}{A_{jt-1}} + \varepsilon_{jt}$$

$PROD_{jt}$ هزینه‌های تولید شرکت j در پایان سال که برابر است با بهای تمام شده کالای فروش رفته به علاوه تغییرات موجودی مواد و کالا و $\Delta Sales_{jt-1}$ تغییرات فروش شرکت j در پایان سال $jt-1$ که برابر با تفاوت فروش بین سال jt و $jt-1$ است (تغییرات ریالی در فروش خالص سال قبل).

۳- هزینه‌های اختیاری غیرعادی. باقی مانده مدل ۳، نشان دهنده هزینه‌های اختیاری غیر عادی است.

$$\text{مدل ۳} \quad \frac{DISCE_{jt}}{A_{jt-1}} = \alpha_1 \frac{1}{A_{jt-1}} + \alpha_2 \frac{Sales_{jt}}{A_{jt-1}} + \varepsilon_{jt}$$

در این مدل، $DISCE_{jt}$ هزینه‌های اختیاری شرکت j در پایان سال t که برابر با هزینه‌های اداری و عمومی و فروش است. برای استفاده از این متغیرها در مدل‌های پژوهشی از قدر مطلق این متغیرها استفاده شده است.

متغیر مستقل: هزینه‌های سیاسی

هزینه‌های سیاسی هزینه‌هایی هستند که برای تداوم فعالیت و حیات موسسه تجاری بنا به الزامات قانونی و عرفی و محیط اقتصادی ضروری می‌باشد این قبیل هزینه‌ها یا به واسطه اعمال قانونی و مصوبات قانونی و یا از طریق فشارهای سیاسی به شرکتها تحمیل می‌شود. از این قبیل هزینه‌های سیاسی می‌توان به مالیات، بیمه بازنشستگی، هزینه‌های ناشی از کمک‌های بلاعوض به اشخاص و ارگانها و نهادها، کمک به ورزش، حقوق گمرکی صادرات، هزینه حفظ محیط زیست، هزینه توسعه فضاهای آموزشی، پرداختی به اتحادیه‌های کارگری و سایر مراجع رسمی و غیر رسمی اشاره کرد (پور حیدری، ۱۳۸۳: ۵۲). هزینه سیاسی شامل موارد زیر است:

اندازه شرکت: هر چه حجم دارایی‌های شرکت بیشتر باشد، نشان دهنده بزرگ‌تر بودن آن شرکت و برعکس هر چه حجم دارایی‌های شرکت کمتر باشد، نشان دهنده کوچک‌تر بودن آن شرکت است. در واقع بین اندازه شرکت و مجموع دارایی‌های شرکت رابطه مستقیم وجود دارد (رضایی و افروزی، ۱۳۹۳: ۹۶). به اعتقاد هاگرمن و ژیمونسکی^{۵۵} (۱۹۷۸) هزینه‌های تحمل شده به شرکت‌ها تابعی از اندازه آنها هستند، چرا که شرکت‌های کوچک‌تر کمتر قابل مشاهده هستند و بنابراین کمتر موضوع توزیع هزینه‌های سیاسی هستند. در تحقیق حاضر به پیروی از تحقیقات انجام شده در ادبیات مربوطه میتوان از دو متغیر به عنوان معیار اندازه

شرکت کمک گرفت. دراشید و زانگ^{۵۷} (۲۰۰۳) از لگاریتم طبیعی جمع دارایی های پایان دوره و زیمرمن^{۵۶} (۱۹۸۳) از لگاریتم جمع درآمد فروش به عنوان نماینده اندازه شرکت استفاده نموده اند. درآمد فروش یک اثر درونی بر سود قبل از بهره و مالیات، هزینه مالیات بر درآمد، و نهایتاً نرخ موثر مالیاتی دارد. این اثر درونی میتواند نتایج تحقیق را دستخوش روابطی نماید که مورد نظر محقق نبوده و آنها را غیرقابل اتکا خواهد نمود. بنابراین در تحقیق حاضر از دیگر نماینده اندازه شرکت یعنی لگاریتم طبیعی جمع دارایی های پایان دوره استفاده شده است. این متغیر برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های شرکت. واتر و زیمرمن^{۵۸} (۱۹۸۶)، کرن و موریس^{۵۹} (۱۹۹۱)، ابراهیمی کردلر و شهریاری (۱۳۸۸)، حیدری و همکاران (۱۳۹۴) و منصورفر و همکاران (۱۳۹۶) از این متغیر به عنوان نماینده سنجش هزینه های سیاسی استفاده کرده اند.

نسبت سرمایه بری^{۶۰} (تراکم سرمایه گذاری): سرمایه گذاری عبارت است از فدا کردن ارزشی در حال حاضر (که معمولاً مشخص است) به امید به دست آوردن هر گونه ارزشی در زمان آینده (که معمولاً اندازه یا کیفیت آنها نامعلوم است). به عبارتی سرمایه گذار در حال حاضر، ارزش مشخصی را فدا می کند تا در قبال آن در آینده ارزش خاصی که مد نظرش است به دست آورد (جنانی و کنعانی، ۱۳۹۵). شرکت هایی که از یک تکنولوژی سخت سرمایه استفاده می کنند هزینه فرصت سرمایه را در محاسبه سود خالص وارد نمی کنند. بنابراین به طور میانگین شرکتی که حجم بالایی از اموال، ماشین آلات و تجهیزات را در اختیار دارد، سودهای بالاتری نسبت به شرکتی که حجم کمتری از اموال، ماشین آلات و تجهیزات در اختیار دارد گزارش می کند، ولی اینکه سود اقتصادی هر دوی این شرکتها یکی است (هاگرم و ژیمونسکی، ۱۹۷۸). بنابراین فرض می شود شرکت هایی که حجم بالایی از اموال، ماشین آلات و تجهیزات را در اختیار دارند و موضوع هزینه های سیاسی قرار می گیرند، انگیزه دارند که سود گزارش شده را دستکاری نمایند (ابراهیمی کردلر و شهریاری ۱۳۸۸ : ۳۶).

این نسبت برابر است با نسبت مجموع دارایی های ثابت (اموال، ماشین آلات و تجهیزات) به جمع فروش شرکت. ونگ^{۶۱} (۱۹۸۸)، بلکویی و کاریک^{۶۲} (۱۹۸۹)، ابراهیمی کردلر و شهریاری (۱۳۸۸)، حیدری و همکاران (۱۳۹۴) و منصورفر و همکاران (۱۳۹۶) از این متغیر برای سنجش هزینه های سیاسی استفاده کرده اند.

نسبت تمرکز^{۶۳} (درجه رقابت در صنعت): سود حسابداری بالای گزارش شده حداقل به دو دلیل رقابت بین شرکتها را افزایش می دهد. اول، احتمال اقدامات ضد تراستی که می تواند منجر به تجزیه شدن شرکت و یا بعضی اقدامات دولتی که رقابت را افزایش خواهد داد است. دوم، سودهای گزارش شده توسط بخش قضایی برای تشخیص قدرت بازار و توسط اشخاص برای بیان اینکه کدام شرکت های خاص می توانند برای نقض های ضد تراستی ممکن مورد

بررسی قرار گیرند انتخاب شوند ابراهیمی‌کردلر و شهریاری (۱۳۸۸). به اعتقاد هاگرمین و ژیمونسکی (۱۹۷۸) مدیران شرکت‌هایی که رانت‌های انحصاری به دست می‌آورند انگیزه دارند به منظور اجتناب از اقدامات ضد تراستی که می‌تواند ارزش شرکت را کاهش دهد، سودهای گزارش شده حسابداری را کمتر از واقع ارائه کنند. درجه رقابت در صنعت برابر است با نسبت فروش شرکت به فروش صنعتی که در آن قرار دارد. واتر و زیمرمن (۱۹۸۶)، ونگ (۱۹۸۸)، گادفری و جونز (۱۹۹۹)، ابراهیمی‌کردلر و شهریاری (۱۳۸۸)، حیدری و همکاران (۱۳۹۴) و منصورفر و همکاران (۱۳۹۶) از این متغیر برای سنجش هزینه‌های سیاسی استفاده کرده‌اند.

تراکم کارکنان^۴: تعداد کارکنان یکی از شاخص‌های هزینه (حساسیت) سیاسی است. زیرا هر چه تعداد کارکنان بیشتر باشد، فشار وارده به شرکت بیشتر خواهد بود. از طرفی شرکت از آن به عنوان اهرم فشار به دولت استفاده می‌کند، زیرا نیروی انسانی و نیروی کار از اهمیت بسیار زیادی در جوامع برخوردار است. در واقع شرکت‌هایی که نیروی کار زیادی را جذب می‌کنند، بخشی از فشار وارده به دولت را کاهش می‌دهند (رضایی و افروزی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). همچنین اعتراضات و اعتصابات کارگری یکی از معضلات اجتماعی است که دولت سعی در جلوگیری از آن دارد. با توجه به دلایل ذکر شده، شرکت‌های دارای نیروی انسانی زیاد، بیشتر مورد توجه دولت قرار می‌گیرند. (رضایی و سعادت، ۱۳۹۳). این نسبت برابر است با نسبت جمع کارکنان واحد تجاری به جمع فروش شرکت. پورحیدری و همتی (۱۳۸۳)، رضایی و افروزی (۱۳۹۴) و منصورفر و همکاران (۱۳۹۶) از این متغیر به عنوان نماینده سنجش هزینه‌های سیاسی استفاده کرده‌اند.

ریسک: ریسک یعنی احتمال متحمل شدن زیان. به عبارت دیگر ریسک میزان اختلاف بین بازده واقعی سرمایه‌گذاری با بازده مورد انتظار تعریف می‌شود. هر چه پراکندگی بازده بیشتر باشد ریسک نیز بیشتر خواهد شد. در حالت تعادل، بازدهی مورد انتظار با ریسک سیستماتیک رابطه مستقیم دارد. بنابراین، شرکت‌های با ریسک سیستماتیک بالاتر به طور میانگین بازدهی‌های حسابداری بالاتر دارند. این بدان معنی است که اگر سیاستمداران سود گزارش شده شرکت‌ها را از لحاظ ریسک تعدیل نکنند، شرکت‌های پرریسک‌تر به نظر سودهای مازاد به دست می‌آورند و بنابراین مورد توجه قانون‌گذاران قرار می‌گیرند. عامل دیگر مرتبط با ریسک تغییرات سودهای حسابداری است. شرکت‌هایی که به طور طبیعی انحرافات سودی بالایی از زمانی به زمان دیگر دارند منجر به وجود آمدن این تصور می‌شود که این گونه شرکت‌ها (در سال‌هایی که انحراف سود مثبت دارند) سودهای غیرعادی به دست می‌آورند. این موضوع چنین شرکت‌هایی را در معرض هزینه‌های سیاسی قرار می‌دهد. بنابراین این شرکت‌ها انگیزه دارند میانگین توزیع سود گزارش شده خود را کاهش دهند. (ابراهیمی‌کردلر و

شهریاری، ۱۳۸۸: ۴۵). این متغیر ضریب بتای به دست آمده بر اساس الگوی قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای^{۶۵} و بر اساس بازدهی ۱۲ ماهه، محاسبه شده است. واتز و زیمرمن (۱۹۸۶)، ژیموسکی و هاگرم (۱۹۸۱)، ابراهیمی‌کردلر و شهریاری (۱۳۸۸)، حیدری و همکاران (۱۳۹۴) و منصورفر و همکاران (۱۳۹۶) از این متغیر به عنوان نماینده سنجش هزینه‌های سیاسی استفاده کرده‌اند.

متغیرهای کنترلی

در پژوهش حاضر، متغیرهای سودآوری و نسبت اهرمی به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند.

نسبت اهرمی: مدیران شرکت‌هایی که اهرم مالی بالایی دارند، برای رعایت شروط قراردادهای تأمین مالی و نشان دادن عملکرد مطلوب شرکت، به دستکاری سود می‌پردازند، زیرا مدیران این قبیل شرکت‌ها برای راضی نگه داشتن اعتباردهندگان باید سوددهی مناسبی داشته باشند. بنابراین، مدیران این شرکت‌ها تمایل کم‌تری به کاهش سود شرکت‌های خود برای پرداخت مالیات کم‌تر دارند (پورحیدری و شفیع‌هی همت آباد، ۱۳۹۲: ۵۰). در پژوهش حاضر، این نسبت برابر با جمع بدهی‌های بلند مدت به جمع دارایی‌های شرکت در نظر گرفته شده است.

نسبت سود آوری: سود گزارش شده از جمله اطلاعات مالی مهمی است که در هنگام تصمیم‌گیری توسط افراد در نظر گرفته می‌شود. تحلیل‌گران مالی عموماً سود گزارش شده را به عنوان یک عامل برجسته در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مدنظر قرار می‌دهند. همچنین سرمایه‌گذاران برای تصمیمات سرمایه‌گذاری خود بر اطلاعات مالی مندرج در صورت‌های مالی واحد‌های اقتصادی خصوصاً سود گزارش شده اتکا می‌کنند (آقایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۲). در پژوهش حاضر، این نسبت از طریق تقسیم سود خالص سالانه به کل دارایی شرکت، محاسبه می‌شود.

در توجیه انتخاب این متغیر به عنوان متغیرهای کنترلی می‌توان اظهار داشت؛ سود از جمله اطلاعات با اهمیت در تصمیمات اقتصادی به شمار می‌رود. سود به عنوان ابزار سنجش اثربخشی عملکرد مدیریت و نیز وسیله پیش‌بینی و ارزیابی تصمیم‌گیری‌ها، همواره مورد استفاده سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران مالی و دیگر گروه‌های ذی‌نفع بوده است. با توجه به این‌که مالیات بر مبنای درآمد مشمول مالیات محاسبه می‌شود، در نتیجه سودآوری می‌تواند عاملی مؤثر بر انگیزه اجتناب و یا فرار مالیاتی شرکت‌ها و به تبع آن مدیریت سود گردد. همچنین، از آن‌جا که طرح‌های پاداش گروه مدیریت و دیگر گردانندگان واحد تجاری مبتنی بر معیارهای عملکرد مدیریت همچون سودآوری و جریان‌های نقدی است، می‌توان انتظار داشت مدیران در راستای تحقق پاداش‌های در نظر گرفته شده از جانب سهامداران برای آنان، انگیزه زیادی برای کاهش مالیاتی پرداختی داشته باشند، زیرا کاهش مالیات پرداختی در نهایت منجر به افزایش

سود خالص و کاهش جریان‌های نقدی خروجی ناشی از مالیات می‌گردد که این موضوع در پژوهش آرمسترانگ^{۶۶} و همکاران (۲۰۱۲) نیز تأیید شده است.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش محاسبه و در نگاره (۲) ارائه گردیده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیش‌ترین و کم‌ترین مقدار میانگین به ترتیب متعلق به متغیرهای اندازه شرکت (۵/۸۰۸۹) و مدیریت سود (۰/۰۰۴۳-) می‌باشد. بیش‌ترین و کم‌ترین مقدار انحراف معیار نیز به ترتیب متعلق به متغیرهای ریسک (۰/۸۷۷۰) و تراکم کارکنان (۰/۰۰۱۱) است. همچنین، با توجه مقادیر ارائه شده برای متغیرهای پژوهش و با مقایسه مقادیر مربوط به میانگین و میانه متغیرها و اختلاف اندک مشاهده شده میان آن‌ها، می‌توان گفت که متغیرهای بکاررفته برای اهداف پژوهش مناسب می‌باشد.

نگاره ۲: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
مدیریت سود واقعی	-۰/۰۰۴۳	-۰/۰۱۹۰	۲/۴۳	-۴/۵۷	۰/۱۲۵۴
نسبت سرمایه‌بری	۰/۴۳۵۶	۰/۲۱۴۳	۱۳/۵۱۱۴	۰/۰۰۴۸	۰/۸۱۷۵
درجه رقابت در صنعت	۰/۰۵۷۵	۰/۰۳۰۴	۰/۸۸	۰/۰۰۰۷	۰/۰۸۸۷
ریسک	۰/۵۰۴۱	۰/۴۴۳۴	۱/۴۴	-۴/۳۲	۰/۸۷۷۰
اندازه شرکت	۵/۸۰۸۹	۵/۷۸۲۸	۷/۹۲	۴/۷۳	۰/۶۲۶۶
تراکم کارکنان	۰/۰۰۱۱	۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۹۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱۱
نسبت سودآوری	۰/۱۳۹۶	۰/۱۱۹۳	۰/۶۵	-۰/۳۵	۰/۱۲۰۸
نسبت اهرمی	۰/۶۱۲۹	۰/۶۱۲۷	۲/۱۷	۰/۱۴	۰/۲۱۵۳

۴-۲. ماتریس همبستگی ضمنی بین متغیرهای پژوهش

در نگاره (۳) مقادیر مربوط به ماتریس کواریانس خطای باقی‌مانده استاندارد شده ارائه شده است. این کواریانس استاندارد شده دارای توزیع نرمال است، چنانچه مقادیر خطای باقی‌مانده در بازه $-۱/۹۶$ و $+۱/۹۶$ باشند، می‌توان نتیجه گرفت که برازش مدل در حد قابل قبول می‌باشد. از آن‌جا که مقادیر به‌دست آمده در بازه مطلوب قرار دارند، می‌توان ادعا کرد که ماتریس کواریانس ضمنی و ماتریس کواریانس نمونه از نظر آماری، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

۴-۳. اعتبارسنجی الگوهای اندازه‌گیری پژوهش

اعتبار یک الگو با استفاده از معیارهای نیکویی برازش مورد بررسی قرار می‌گیرد. قبل از بررسی شاخص‌های نیکویی برازش، سطح معناداری ضرایب رگرسیون استاندارد شده مسیر متغیر پنهان به متغیر مشاهده‌پذیر (نشان‌گرها) مورد بررسی قرار می‌گیرد. چنانچه سطح معنی‌داری ضرایب مسیر کم‌تر از ۵ درصد باشد، برآوردهای الگو بدین معنا است که این روابط توسط الگو تأیید می‌شوند و باید در الگو باقی بمانند و در صورتی که سطح معناداری بیش‌تر از ۵ درصد باشد، آن نشان‌گر از الگوی اندازه‌گیری حذف می‌گردد (قاسمی، ۱۳۹۲؛ ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱). در رابطه با الگوی اندازه‌گیری هزینه‌های سیاسی و مدیریت سود واقعی، سطح معناداری تمام متغیرهای مشاهده‌پذیر کمتر از ۵ درصد برآورد شده است. بنابراین، اثر این روابط در الگوهای اندازه‌گیری پیش‌بینی شده تأیید و بایستی در الگوی باقی بمانند. بنابراین، الگوی های اندازه‌گیری از اعتبار کافی جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش برخوردار هستند. نتایج حاصل از برآورد الگوهای اندازه‌گیری در جدول (۴) ارائه شده است.

نگاره ۳: نتایج استاندارد شده الگوی تحلیل عاملی تأییدی

مسیر متغیر پنهان	ضریب رگرسیون	سطح معناداری
هزینه‌های سیاسی - تراکم کارکنان	-۱/۱۵۸	۰/۰۰۰۰۱
هزینه‌های سیاسی - اندازه شرکت*	۰/۵۰۸۰	-
هزینه‌های سیاسی - درجه رقابت در صنعت	۰/۳۳۱	۰/۰۱۳۰
هزینه‌های سیاسی - نسبت سرمایه بری	-۰/۲۸۳	۰/۰۲۱۰
هزینه‌های سیاسی - ریسک	۰/۱۴۵	۰/۰۰۰۱
مدیریت سود واقعی - جریان نقد عملیاتی -	۰/۰۱۴	۰/۰۰۰۱
مدیریت سود واقعی - هزینه‌های تولید غیرعادی*	۰/۳۵۱	-
مدیریت سود واقعی - هزینه‌های اختیاری غیرعادی	-۰/۰۱۷	۰/۰۰۰۱

*این مسیر بر روی عدد یک ثابت شده است

در مرحله ارزیابی مدل ساختاری و به هنگام بررسی روابط بین متغیر پنهان و متغیرهای مشاهده‌پذیر، بارکنش‌های عامل مدل اندازه‌گیری دوباره تخمین زده می‌شود. به این صورت که بارکنش‌های عامل و خطای اندازه‌گیری در مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری، آزاد در نظر گرفته شده و تخمین زده می‌شوند. چنانچه مقادیر بارکنش‌ها در دو مدل، تفاوت آشکاری با یکدیگر داشته باشند، این امر مؤید وجود در ماندگی در تفسیر است. مزیت این روش این است که می‌توان از نیکویی برازش مدل اندازه‌گیری به عنوان مبنایی برای مقایسه استفاده نمود و نیکویی برازش مدل ساختاری را با آن محک زد. این دیدگاه به صورت گسترده در مدل‌سازی معادلات ساختاری مورد استفاده قرار می‌گیرد (ابارشی و حسینی، ۱۳۹۱). در مدل ساختاری، فرضیه‌های پژوهش (روابط رگرسیونی و یا همبستگی بین متغیرها) مورد آزمون قرار می‌گیرد.

شاخص‌های نیکویی برازش مربوط به مدل ساختاری که در نگاره (۴) ارائه گردیده است، مبین برازش قابل قبول مدل ساختاری و عدم مواجهه با پدیده درماندگی در تفسیر است.

نگاره ۴: معیارهای نیکویی برازش مدل ساختاری

معیارهای نیکویی برازش	نام شاخص	مدل اصلاح شده	سطح برازش قابل قبول
شاخص‌های	کای- مربع	۰/۷۸۱	بزرگ‌تر از ۵ درصد
برازش	شاخص نیکویی برازش	۰/۹۹۱	بزرگ‌تر ۹۵ درصد
مطلق	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	۰/۹۸۲	بزرگ‌تر ۹۵ درصد
	شاخص برازش هنجار نشده	۱/۰۱۹	بزرگ‌تر ۹۵ درصد
	شاخص برازش هنجار شده	۰/۹۵۴	بزرگ‌تر ۹۵ درصد
شاخص‌های	شاخص برازش تطبیقی	۱/۰۰۰	بزرگ‌تر ۹۵ درصد
برازش تطبیقی	شاخص برازش افزایشی	۱/۰۱۱	بزرگ‌تر ۹۵ درصد
	شاخص برازش نسبی	۰/۹۲۲	بزرگ‌تر ۹۵ درصد
	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	۰/۵۶۴	بزرگ‌تر از ۵۰ درصد
شاخص‌های	ریشه میانگین مربعات خطای	۰/۰۰۰	کوچک‌تر از ۱۰ درصد
برازش	برآورد		
مقتصد	کای- مربع هنجار شده به درجه آزادی	۰/۸۱۹	کوچک‌تر از ۳
سایر شاخص‌ها	شاخص هلتر (۰/۰۵)	۱۰۱۷	بیشتر از ۲۰۰

۴-۴. اعتبارسنجی الگوی ساختاری پژوهش

در مرحله ارزیابی الگوی ساختاری و به هنگام بررسی روابط بین متغیرهای پنهان و مشاهده‌پذیر، بارکنش‌های عامل الگوی اندازه‌گیری دوباره تخمین زده می‌شود. به این صورت که بارکنش‌های عامل و خطای اندازه‌گیری در الگوی اندازه‌گیری و ساختاری، آزاد در نظر گرفته شده و تخمین زده می‌شوند. مزیت این روش این است که می‌توان از نیکویی برازش الگوی اندازه‌گیری به عنوان مبنایی برای مقایسه استفاده نمود و نیکویی برازش الگوی ساختاری را با آن محک زد. اما باید این موضوع را مدنظر قرار داد که مقادیر معیارهای نیکویی برازش برای الگوی اندازه‌گیری با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و نیز الگوی ساختاری در اکثر موارد با یکدیگر تفاوت دارند. با این وجود، تفاوت زیاد و آشکار بین معیارهای برازش در الگوی اندازه‌گیری و ساختاری نشانه وجود مشکل در الگوی مفهومی پژوهش بوده و لازم است با بررسی داده‌های الگوی اندازه‌گیری و ساختاری، علت آن شناسایی و رفع گردد. در الگوی ساختاری، فرضیه‌های پژوهش (روابط رگرسیونی و یا همبستگی بین متغیرها) مورد آزمون قرار می‌گیرد. شاخص‌های برازش الگوی ساختاری مربوط به آزمون فرضیه پژوهش که در نگاره (۵) ارائه گردیده است، مبین برازش قابل قبول الگوی ساختاری است.

نگاره ۵: مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش الگوی ساختاری

معیار	نام شاخص	سطح برازش	سطح برازش قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	کای-مربع	۰/۳۷۲	بزرگ‌تر از ۵ درصد
	شاخص نیکویی برازش	۰/۹۹۹	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	۰/۹۸۵	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص برازش هنجار نشده	۱/۰۰۰	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص برازش هنجار شده	۰/۹۹۸	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص برازش تطبیقی	۱/۰۰۰	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
شاخص‌های برازش مقتصد	شاخص برازش افزایشی	۱/۰۰۰	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص برازش نسبی	۰/۹۹۷	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	۰/۰۹۵	بزرگ‌تر از ۵۰ درصد
سایر شاخص‌ها	ریشه میانگین مربعات خطاهای برآورد	۰/۰۰۰	کوچک‌تر از ۱۰ درصد
	کای-مربع هنجار شده به درجه آزادی	۰/۹۸۹	کوچک‌تر از ۳
	شاخص هلتر (۰/۰۵)	۱۵۹۷	بزرگ‌تر از ۲۰۰

پس از برازش مدل ساختاری و عدم وجود تفاوت آشکار بین شاخص‌های برازش مدل ساختاری و مدل اندازه‌گیری، نتایج مربوط به آزمون فرضیه پژوهش که در نگاره (۶) ارائه شده است نشان می‌دهد که هزینه‌های سیاسی اثر منفی و معنی‌داری بر مدیریت سود واقعی دارد. بنابراین، فرضیه پژوهش رد نمی‌شود. همچنین نتایج حاکی از آن است نسبت سود آوری و نسبت اهرمی اثر مثبت و معناداری بر مدیریت واقعی سود دارند.

نگاره ۶: نتایج مربوط به آزمون فرضیه پژوهش

متغیرهای مدل ساختاری	*ضریب مسیر	نسبت بحرانی	معنی‌داری
هزینه‌های سیاسی - مدیریت واقعی سود	-۰/۰۱۰	-۳/۷۰۳	۰/۰۰۰۱
نسبت سودآوری - مدیریت واقعی سود	۰/۱۰۱	۴/۸۵۶	۰/۰۰۰۱
نسبت اهرمی - مدیریت واقعی سود	۱/۵۴۷	۴/۸۶۰	۰/۰۰۰۱

* مقدار استاندارد شده رگرسیون

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پس از گسترش نظریه اقتصاد سیاسی این نظریه از نظر اقتصاددانان و سیاستمداران بسیار مورد توجه قرار گرفت، و از آنجایی که روابط سیاسی در شرکت جزو اصلی ترین شاخص‌های سوددهی برای شرکت محسوب می‌شود، چنین شرکت‌هایی تمایل زیادی به سمت برقراری روابط سیاسی هستند. تا کنون پژوهش‌هایی در زمینه هزینه سیاسی انجام گرفته ولی تاکنون پژوهشی که به صورت خاص رابطه بین هزینه سیاسی و مدیریت واقعی سود را بیان کند مورد بررسی قرار نگرفته است. در این پژوهش تلاش شده رابطه بین هزینه سیاسی و مدیریت واقعی سود به صورت دقیق و با بهترین روش اندازه‌گیری موجود بررسی شود.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هزینه‌های سیاسی، اثر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارد از این رو فرضیه پژوهش تایید می‌شود. نتایج پژوهش همسو با نتایج مطالعات داروق و همکاران (۱۹۹۸)، راس و سان (۲۰۰۸)، دونمور (۲۰۰۹)، محمد و دیگران (۲۰۱۱)، سانگ و دیگران (۲۰۱۱)، زو و دیگران (۲۰۱۲)، پورحیدری و همتی (۱۳۸۳) است. در خصوص متغیرهای کنترلی نیز نتایج پژوهش بیانگر این موضوع است که متغیر سودآوری و نسبت اهرمی اثر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارند. هر چند که مطالب بیان شده در بخش مقدمه به این موضوع اشاره داشت که شرکت‌ها به منظور دریافت منافع وارد فرایند سیاسی می‌شوند و همچنین به جهت دریافت منافع به شکل‌های مختلف و قرار نگرفتن در کانون توجه نهادی دولتی و قانون‌گذار، اقدام به مدیریت سود می‌نمایند. در واقع شرکت‌ها سعی دارند با این روش مانع از انتقال ثروت از واحد تجاری متبوع خود به سمت خارج از شرکت می‌شوند. بسیاری از پژوهش‌های نشان داده اند مدیریت سود موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود.

همچنین می‌توان استدلال کرد که شرکت‌هایی که وارد فرایند سیاسی می‌شوند، نظارت موثری بر عملکرد مدیران آنها به عمل نمی‌آید، زیرا انتخاب این مدیران صرفاً بر اساس روابط سیاسی انجام می‌گیرد و نه بر اساس ضوابطی از قبیل تخصص، تجربه و شایسته سالاری، در نتیجه در این گونه شرکتها شفافیت اطلاعاتی کمتری دارند و در معرض خطر بیشتری برای گزارشگری نادرست مقدار سود قرار می‌گیرند. به طور کلی، در خصوص فرضیه سیاسی و مدیریت سود می‌توان بیان کرد که هزینه‌های سیاسی نه تنها رفتار مدیران را در ارتباط با گزارش سودهای بی کیفیت اصلاح نمی‌کند و کیفیت سود را ارتقا نمی‌بخشد، بلکه سبب بی توجهی به سود گزارش شده می‌شود. به منظور بهبود کیفیت اطلاعات و افزایش اعتماد سرمایه گذاران به گزارش‌های مالی شرکت‌ها، به سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی پیشنهاد می‌شود، الزامات گزارشگری مالی و افشا به نحوی تدوین گردد که امکان استفاده مدیریت از ابزارهای گزارشگری مالی برای دستکاری ارقام حسابداری و اقدام جهت مدیریت سود به حداقل برسد.

یادداشت‌ها

- 1-Fisman
- 2-Faccio
- 3-Pastor et al.
- 4-Rajwani et al.
- 5-Mellahi et al.
- 6- Claessens et al.
- 7-Goldman et al.
- 8-Johnson et al.
- 9-Khwaja et al.
- 10-Boubakri et al.
- 11-Houston et al.
- 12-Abeysekera
- 13-Political Economy
- 14-Information Costs
- 15-Conflicts of Interests
- 16-Big coalition
- 17-Organizing Costs
- 18-Milou et al.
- 19-Thahoun
- 20-Faccio & Parsely
- 21- Jones & Sharma
- 22-Magrath and Weld
- 23-Salomoun
- 24-Kim and Sohn
- 25- Dechow and Skinner
- 26-Gunny
- 27-Roychowdhury
- 28-Bruns, and Merchant
- 29-Graham et al.
- 30- Yu
- 31-Ewert and Wangenhofer
- 32-Cohen et al.
- 33-Cupertino
- 34-Political Hypotheses
- 35- Political Costs
- 36-Earnings real management
- 37-Political Process
- 38-Positive Theory
- 39-Darrough et al.
- 40- Fraser et al.
- 41-Law Sarbynz-Oxley Act
- 42-Chen et al.
- 43-Bliss and Gul
- 44-Boubakri et al.
- 45-Maaloul et al
- 46-Measurement Model
- 47-Goodness of Fit
- 48-Structural Equation Modeling
- 49-Latent Variable
- 50-Observed Variable
- 51-Measurement Error
- 52-Direct & Indirect Effects
- 53-Leggett et al.
- 54-Cohen and Zarowin
- 55-Hagerman and zmijewski
- 56-Drashid and Zhang
- 57-Zimmerman
- 58-Watts & Zimmerman
- 59-Kern & Morris
- 60-Capital Intensity
- 61-Wong
- 62-Belkaoui & Karpik
- 63-Concentrate Rate
- 64-Employee Intensity
- 65-Capital Assets Pricing Model
- 66-Armstrong et al.
- 67 Amos

کتابنامه

۱. ابارشی، احمد؛ و حسینی، سیدیعقوب. (۱۳۹۱)، مدل‌سازی معادلات ساختاری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۲. ابراهیمی‌کردلر، علی؛ و شهریاری، علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی رابطه هزینه سیاسی و محافظه‌کاری (فرضیه سیاسی) در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۵۷): ۵۷-۳.
۳. آقایی، محمدعلی؛ جوان، علی‌اکبر؛ ناظمی‌اردکانی، مهدی؛ و موسوی، ابراهیم. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر مدیریت سود، اندازه، شرکت و نسبت‌های سودآوری بر ساختار سرمایه، مطالعات حسابداری، ۲۵(۱): ۱۰۳-۷۸.
۴. بادآور نهندی، یونس؛ و تقی‌زاده خانقاه، وحید. (۱۳۹۷). تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. سال ۲۵ (۲). ۱۸۱-۱۹۸.
۵. بزرگ‌اصل، موسی. (۱۳۷۳). نقش قراردادهای استقراض، طرح‌های پاداش و فرایند سیاسی در انتخاب خط مشی حسابداری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲(۷-۶): ۴۰-۲۴.
۶. پورحیدری، امید؛ و همتی، داود. (۱۳۸۳). بررسی اثر قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۱(۳۶): ۶۳-۴۷.
۷. جنانی، محمدحسن؛ و کنعانی علی‌آبادی، ذلیخا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین هزینه‌های سیاسی و بازده غیرعادی سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ۲۳ اردیبهشت ماه، دانشگاه تبریز، ص ۱۳۴.
۸. حجازی، رضوان؛ و اوجی، محمد. (۱۳۹۱). چشم‌اندازی به تئوری حسابداری اثباتی، پژوهش حسابداری، ۱(۴): ۹۶-۶۹.
۹. حیدری، مهدی؛ دیدار، حمزه؛ و قادری، بهمن. (۱۳۹۴). بررسی تجربی رابطه بین فرضیه هزینه‌های سیاسی و فرصت‌های رشد شرکت: رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲(۴۷): ۱۵۶-۱۴۱.
۱۰. حیدرعلی، هومن. (۱۳۸۴). مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیز رل. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا؛ و حسن‌بابایی، مازیار. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر محافظه‌کاری شرطی و غیرشرطی حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی، مجله علمی پژوهشی دانش حسابداری، ۷(۲۵): ۱۶۶-۱۴۵.

۱۲. رضایی، فرزین؛ و افروزی، لیلا. (۱۳۹۴). رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی، پژوهش حسابداری، ۴(۱۶): ۸۵-۱۱۲.
۱۳. رضایی، فرزین؛ و ویسی حصار، ثریا. (۱۳۹۳). اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱(۴): ۴۷۰-۴۴۹.
۱۴. رضایی، فرزین؛ و سعادت، کمال. (۱۳۹۳). بررسی اثر روابط سیاسی شرکت بر سطح نگهداشت موجودی نقد شرکت‌ها، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد قزوین.
۱۵. شمس زاده، باقر؛ افلاطونی، عباس؛ و نیکبخت، نادر. (۱۳۹۵). ارزیابی توان بازار سرمایه در تشخیص مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری. فصلنامه حسابداری مالی، ۸ (۳۲): ۳۸-۵۸.
۱۶. قاسمی، وحید. (۱۳۹۲)، مدل‌سازی معادلات ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد AMOS، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۷. صفری گرایلی، مهدی؛ رضائی پیتنه نوئی، یاسر؛ و نوروزی، محمد. (۱۳۹۶). مدیریت سود و خوانایی گزارشگری مالی، دانش حسابداری، سال ۱۷(۶۹): ۲۳۰-۲۱۷.
۱۸. مجتهدزاده، ویدا؛ و ولی زاده لاریجانی، اعظم، (۱۳۸۸)، نتایج مدیریت واقعی سود، ارائه شده در بیست و یکمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری آسیا پاسیفیک لاس وگاس، آمریکا.
۱۹. مشایخی، بیتا؛ و حسین پور، امیر حسین. بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی. ۱۲ (۴۹) ۲۹-۵۲
۲۰. منصورفر، قادری، دانشیار. (۱۳۹۶). فرضیه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۴(۵۳): ۱۱۳-۱۴۲.
۲۱. مهدی فرد، محمدرضا. و رویایی، رمضان علی. (۱۳۹۴). مدیریت سیاسی و قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۸(۲۵): ۲۸-۱۹.
۲۲. نیکومرام، هاشم، بنی مهد، رهنمای رودپشتی، کیائی. (۱۳۹۲). دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود حسابداری مدیریت، ۶: ۳۱-۴۳.
۲۳. واتس و زیمزمن، (۱۳۹۰)، تئوری اثباتی حسابداری، تهران، انتشارات ترمه.
۲۴. یاری فرد، رضا. حاجیها. زهره، رنجبر مناسب آستانه، علی. (۱۳۹۵). روابط سیاسی، مشوق‌های مدیریتی و انتخاب حسابرسان باکیفیت شواهد تجربی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق.

۲۵. یعقوب نژاد، احمد. جوادی، نعمت اله. (۱۳۸۸). رابطه بین اندازه شرکت‌ها و هزینه های سیاسی، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار ، ۲(۴): ۶۱-۴۱.

References

1. Abareshi, Ahmad; and Hosseini, Seyedi Alaghoub. (2012)ng of Structural Equations, Tehran: Sociologists' Publishing. (in Persian)
2. Abeyskara indra (2003). Political economy of accounting in intellectual capital reporting. University of Wollongong research online.
3. Aghaei, Mohammad Ali; Javan, Ali Akbar, Nazemi Ardakani, Mehdi; and Mousavi, Abraham. (1388). Study of the Effect of Earnings Management, Company Size and Profitability Ratios on Capital Structure, Bookkeeping Study Book, 25: 103-78. (in Persian)
4. Barth, M., Beaver, W., and Landsman, w. (2001). The Relevance of Value Literature for Financial Accounting Standard Setting: Another View. Journal of Accounting and Economics, Available Online at: www.ssrn.com.
5. Bruns, W. & Merchant, K. (1990). The dangerous morality of managing earnings. Management Accounting, 72(2), 22-25
6. Belkaoui, A., and Karpik, P. g. (1989). Determinants of the Corporate Decision to Disclosure Social Information. Accounting, Auditing and Accountability Journal, 2(1): 36-51.
7. Bliss, M.A. & Gul, F.A., (2012). Political connection and cost of debt: Some Malaysian evidence. Journal of Banking and Finance, 36 (5): 1520–1527.
8. Brandt, M., Brav, A., Graham, J., and Kumar, A. (2010). The Idiosyncratic Volatility Puzzle: Time Trend or Speculative Episodes? Review of Financial Studies, 23(2), 863-899.
9. Bushman, R. and Piotroski, J. (2006). Financial Reporting Incentives for Conservative Accounting: The Influence of Legal and Political Institutions. Journal of Accounting and Economics, 42: 107-148.
10. Boubakri, N., Guedhami, O., Mishra, D., & Saffar, W. (2012). Political connections and the cost of equity capital. Journal of Corporate Finance, 18 (3), 541-559.
11. Chaney, P. K., Faccio, M., and Parsley, D. C. (2012). The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firm. Working Paper. Vanderbilt University.
12. Chen D., Jieying, L., Shangkun, L., and Guojun W. (2011). Macroeconomic Control, Political Costs and Earnings Management: Evidence from Chinese Listed Real Estate Companies, Journal of Accounting Research, 4: 91–106.
13. Cohen, D., A. Dey, and T. Lys. (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre- and post- Sarbanes Oxley periods .Accounting Review, 83(3): 757-787.
14. Cohen, D., Zarowin, P., (2010). “Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings” Journal of Accounting and Economics 50 , 2-19.

15. Claessens, S., Feijen, E., & Laeven, L. (2008). Political connections and preferential access to finance: The role of campaign contributions. *Journal of Financial Economics*, 88(3), 554–580.
16. Cupertino, C. M., A. L. Martinez, C. N. Newton. (2015). Earnings manipulations by real activities management and investors' perceptions. *Research in International Business and Finance*, 34: 309-323.
17. Darrough, N. M. Pourjalali, H. Ond Saoudogaran, S. (1998) Earning Management in Japanese Companies. *The International Journal Of Accounting*, Vol. 33. No. 3. PP.313.334.
18. Dechow, P.M. and Skinner, D.J. Earnings management: Reconciling the views of accounting academics, practitioners, and regulators. *Accounting Horizons*, 2000, 14 (June): 235-250.
19. Ebrahimi Kurdler, Ali; and Shahriari, Alireza. (1388). Investigating the Relationship between Political Expenses and Conservatism (Political Hypothesis) in the Tehran Stock Exchange, Bookkeeping and Audit Schedule, 16 (57): 57-3. (in Persian)
20. Ewert, R. and Wangenhofer, A. (2005). Economic effects of tightening accounting standards to restrict earnings management. *The Accounting Review*, 80, 1101-1124.
21. Faccio, M. (2007). Politically Connected Firms. *The American Economic Review*, 96(1).
22. False wind, Younes; and Taghizadeh Khaneghah, Vahid. (2018). The Effect of Political Relationships on Investing More than the Limit and Performance of a Company, *Quarterly Journal of Accounting and Auditing*. Year 25 (2). 181-198. (in Persian)
23. Faccio, M. (2010). Differences between politically connected and nonconnected firms: A crosscountry analysis. *Financial Management*, 39(3), 905-927.
24. Fisman, R. (2001). Estimating the value of political connections. *American Economic Review*, 91(4), 1095–1102.
25. Fraser, D.R., Zhang, H., Derashid, C., (2006). Cpital structure and political patronage: The case of Malaysia. *Journal of banking and Finance*, 30(4): 1291-1308.
26. Ghasemi, Vahid. (1392), *Structural Equation Modeling in Social Research with the Application of Amos Graphics*, Tehran, Sociology Publishers. (in Persian)
27. Goldman, E., Rocholl, J., & So, J. (2013). Politically connected boards of directors and the allocation of procurement contracts. *Review of Finance*, 17(1), 1617–1648.
28. Goldman, E., Rocholl, J., & So, J. (2009). Do politically connected boards affect firm value? *The Review of Financial Studies*, 22 (6), 2331-2360.
29. Godfrey, J., and Jones, K. L. (1999). Political Costs Influence on Income Smoothing via Extraordinary Item Classification, *Journal of Accounting and Finance*, 39: 229-254

30. Graham, J., C. Harvey, & Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 40(1-3), 3-73.
31. Great principle, Moses. (1373). The Role of Borrowing Contracts, Rewards and Political Processes in Selecting Accounting Policies, Bookkeeping and Audit Schedule, 2 (7-6): 24-40. (in Persian)
32. Gunny, K. (2009). The Relation between earnings management using real activities manipulation and Future performance: Evidence from meeting earnings benchmark. *Contemporary Accounting Research*, 27(2), 855-888.
33. Healy, P. and J. M. Wahlen. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting . *Accounting Horizons*, 13(4): 143-147.
34. Hejazi, Rezvan; and Oji, Mohammad. (1391). Perspective on Positive Accounting Theory, *Journal of Accounting Research*, 1 (4): 96-69. (in Persian)
35. Heidari, Mehdi; Visit, Hamze; and Ghaderi, Bahman. (1394). the empirical study of the relationship between the hypothesis of political costs and the company's growth opportunities: Structural Equation Modeling Approach, *Empirical Financial Accounting Quarterly*, 12 (47): 156-141. (in Persian)
36. Hyderali, Hooman. (1384). *Structural Equation Modeling Using Liz Roll Software*. Tehran: Publication of the side. (in Persian)
37. Houston, J. F., Jiang, L., Lin, C., & Ma, Y. (2014). Political connections and the cost of bank loans. *Journal of Accounting Research*, 52 (1), 193-243.
38. Hagerman Robert, L zmijewski. Mark, 1978, Some Economic Determinants of Accounting Policy Choice, *Journal of Accounting and Economics* 1979; 1: 141-161.
39. Inoue, T., and Tomas, W. B. (1996). The Choice of Accounting Policy in Japan. *Journal of International Financial Management and Accounting*, 7(1): 1-23.
40. Jaghob Nejad, Ahmed. Javadi, Nematollah. (1388). The Relationship Between Companies Size and Political Expenses, *Financial Knowledge Financial Analysis, Second Year* (4): 61-41. (in Persian)
41. Janni, Mohammad Hassan; and Kanaani Ali Abadi, Zlikha. (1395). Investigating the Relationship between Political Expenseas and Abnormal Stock Returns in Companies Acquired in Tehran Stock Exchange, *Proceedings of the 4th National Management Conference, Economics and Accounting*, May 23, Tabriz University, p. 134. (in Persian)
42. Johnson, S., & Mitton, T. (2003). Cronyism and capital controls: Evidence from Malaysia. *Journal of Financial Economics*, 67(2), 351-382.
43. Kern, B. B., and Morris, M. H. (1991). Taxes and Firm Size: The Effect of Tax Legislation during the 1980s. *The Journal of the American Taxation Association*, 80-96.
44. Kim, J. B., and B. C. Sohn, (2009). Real versus accrual-based earnings management and implied cost of equity capital . <http://ssrn.com/abstract=1297938>

45. Leuz, C. and Oberholzer-Gee, F. (2006). Political Relationships, Global Financing and Corporate Transparency: Evidence from Indonesia. *Journal of Financial Economics*, 81(2): 411-439.
46. Leggett, D., Parsons, L. & Reitenga, A. (2009). Real Earnings Management and Subsequent Operating Performance. Working paper. Available in: [http //: ssrn.com/abstract=1466411](http://ssrn.com/abstract=1466411)
47. Magrath, L., and Weld, L.G, Abusive earnings management and early warning signs, *The CPA Journal*, 2002, 72 (8), PP. 50-54.
48. Maaloul, A., Chakroun, R., Yahyaoui, S. (2018). The effect of political connections on companies' performance and value: Evidence from Tunisian companies after the revolution. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 8 (2), 185-204.
49. Mashayekhi, Beata; and Hosseinpour, Amir Hossein. Investigating the relationship between real profit management and accrual earnings management in suspected companies to Tehran Stock Exchange fraud. *Quarterly Journal of Empirical Financial Accounting Studies - Vol. 12 No. 49 pp. 29 – 52.* (in Persian)
50. Mansour Farh, Gholamreza; Ghaderi, Bahman; Associate Professor, Fatemeh. (1396). Political Thought and Financial Reporting Quality Evidence of Tehran Stock Exchange, *Empirical Financial Accounting Quarterly*, 14 (53): 105-134. (in Persian)
51. Mahdi Fard, Mohammad Reza. And dream, Ramadan Ali. (1394). Political Management and Stock Price of the Companies Accepted in the Securities Market: The Theory of Political Economy, *The Scientific Journal of Knowledge, The Analysis of Securities*, 8 (25): 28-19. (in Persian)
52. Mojtahedzadeh, Vida; and Valizadeh Larijani, Azam, (2009), The Results of Real Profit Management, presented at the 21st Asia-Pacific Conference on Asia Pacific, USA. (in Persian)
53. Mellahi, K., Frynas, J. G., Sun, P., & Siegel, D. (2016). A review of the nonmarket strategy literature: Toward a multi-theoretical integration. *Journal of Management*, 42 (1), 143-173
54. McNichols, M. (2002). Research Design Issue in Earnings Management Studies. *Journal of Accounting and Public Policy*, 19(4-5): 313-345.
55. Monem, R.M., 2003. Earnings management in response to the introduction of the Australian gold tax. *Contemporary Accounting Research* 20 (4), 747-774.
56. Pastor, L., & Veronesi, P. (2013). Political uncertainty and risk premia. *Journal of Financial Economics*, 110(3), 520-545.
57. Nikomaram, Hashem, Bani Mehd, Bahman; *Rahnama Roodpashti, Fereydoun and Kiaei, Ali.* (1392). Political Economy and Profit Management, *Journal of Management Accounting*, 6 (18): 43-31. (in Persian)
58. Pourheidari, Omid; and Hemmati, David. (1383). Investigating the Effect of Debt Contracts, Political Expenses, Rewards and Ownership Plans on Profit Management in Companies Accepted in the Tehran Stock Exchange, *Bookkeeping and Accounting Survey*, 11 (36): 63-47. (in Persian)

59. Rajwani T, & Liedong, T. A. (2015). Political activity and firm performance within nonmarket research: A review and international comparative assessment. *Journal of World Business*, 50, 273-283.
60. Rath, Subhrendu and Sun, Lan. (2008), *An Empirical Analysis of Earnings Management in Australia*, Curtin University of Technology., ISSN: 6385- 7451.
61. Rezaei Farzin; and Afroozi, Leila. (1394). the relationship between cost of debt and corporate governance in companies with a political relationship, *Journal of Accounting Research*, 4 (16): 112-85. (in Persian)
62. Rezaei Farzin; and Visia Hesar, Soraya. (1393). The effect of political relations with the government on the relationship between ownership concentration and the quality of financial reporting and the cost of ordinary shares, the chapter on accounting and auditing, 21 (4): 470-449. (in Persian)
63. Rezaei, Farzin; and Sadaati, Kamal. (1393). The study of the effect of company's political relations on the level of corporate cash holdings, Master's dissertation, Azad University of Qazvin. (in Persian)
64. Roychowdhury, S., Earnings management through real activities manipulation, *Journal of Accounting and Economics*, 2006(41), 335-370.
65. Safari Greeley, Mehdi; Rezaei Pithenevi, Yasser; and Nowroozi, Mohammad. (1396). Management of Profitability and Readability of Financial Reporting, *Audit Knowledge*, Year 17 (69): 230-217. (in Persian)
66. Saqafi, Ali; and Bahar Moghaddam, Maryam. (1387). Incentives Effective on Profit Management. *Capital Development Magazine*, 1 (2): 103-125(in Persian)
67. Shamszadeh, Bagher; Platonism, Abbas; and Nikbakht, Nader (1395). Evaluating capital market power in recognizing genuine profit management and accounting earnings management. *Financial Accounting Quarterly*, 8 (32): 58-38. (in Persian)
68. Song, Y., Lina, W., and Zi, Y. (2011). Impacts of Political Connections on Earnings Quality of Chinese Private Listed Companies, *Journal of Advances in Education and Management Communications in Computer and Information Science*, 211: 85-92.
69. Visit Hamza; Mansourfar, Gholamreza; and Hasan Babaei, Maziar. (1395). Investigating the Conditional and Unconditional Accounting Conservatism Effect on Financial Reporting Quality, *Bookkeeping Knowledge book*, 7 (25): 166-145. (in Persian)
70. Watts, R. L., and Zimmerman, J. L. (1986). *Positive Accounting Theory*. New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
71. Watts & Zimzman (2011), *Predictive Theory of Accounting*, Tehran, Terme Publishing. (in Persian)
72. Wong, J. (1988). Economic Incentives for the Voluntary Disclosure of Current Cost of Financial Statement, *Journal of Accounting and Economics*, 10: 152-167.

73. Xu Wei , Kun Wang and Asokan Anandarajan(2012) Quality of reported earnings by Chinese firms: The influence of ownership structure, *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting* 28 193–199
74. Yu, Wei. (2008). *Accounting Based Earnings Management and Real Activities Manipulation*. Unpublished Dissertation, Georgia Institute of Technology.
75. Yarifard, Reza. Haji Venus, Ranjbar Right Astana, Ali. (1395). *Political Relations, Management Incentives and Selection of Auditors with Quality of Empirical Evidence from Companies Accepted in Tehran Stock Exchange*, Master Thesis, Islamic Azad University, Tehran Branch of East. (in Persian)
76. Zmijewski, M., and Hagerman, R. (1981). An Income Strategy Approach to the Positive Theory of Accounting Standard Setting Choice. *Journal of Accounting and Economics*, 8:129–149.